به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند. یوحنا ۱: ۱۱

او آمد

اعتراف می‌کنم که شدیداً تحت تأثیر شگفتی و اهمیت معنای عمیق و بی‌انتهای این دوکلمه قرار گرفته‌ام؛ «او آمد». در این دو کلمه، تمام عظمت و زیبایی رحمت الهی و محبتی که منجر به رهایی و نجات می‌شود، خلاصه شده است. تمام رحمتی که خداوند می‌تواند نشان دهد، تمام فیض نجات‌بخشی که او می‌تواند از قلب خود روانه کند، تمام دلسوزی و محبتی که خدا می‌تواند حس کند، به تمام این‌ها در اینجا و در این دو کلمه اشاره شده است؛ او آمد!

به جز این‌ها، تمام آمال، آرزوها و امید انسان، تمام رویاهای انسان درباره جاودانگی که همیشه در دل بشر قرار داشته، تمام این‌ها در آمدن عیسی به روی زمین قابلیت تحقق یافتن پیدا کردند؛ عیسای مسیح و نجات دهنده!

تمامی رویاها و تصورات ما نسبت به حیات ابدی و زندگی پس از مرگ در این دو کلمه ساده که در کتاب مقدس نوشته شده‌اند خلاصه می‌شود؛ او آمد!

شاید به نظرتان بیاید که این همه وزن دادن به این کلمات اغراق‌آمیز باشد ولی گاهی استفاده از این زبان تأکیدی برای بیان برخی حقایق اجتناب ناپذیر و ضروری است. حتی به جرأت می‌توان گفت که بزرگی و عظمت این اتفاق، حقیقتاً در قالب کلمات نمی‌گنجند!

آمدن عیسی بر روی زمین، نمایانگر حقیقتی بس عظیم‌تر و عمیق‌تر از همهٔ فلسفه‌ای است که تمام فلاسفه در طول تاریخ بشریت به آن پرداخته‌اند. تمام متفکرین در تمامی اعصار با کمک یکدیگر هم نمی‌توانند چیزی را بیافرینند که از هر نظر حتی نزدیک به عظمت و غنای مفهومی باشد که این دو کلمه برای ما به نمایش می‌گذارند؛ او آمد!

## ای پدر آسمانی، ای خدای مهربان، من از اینکه تو برای فراهم ساختن نجات و امید بخشیدن به ما خودت را اینگونه فروتن ساختی حقیقتاً شگفت‌زده‌ام. در مقابل تو زانو می‌زنم و سر تعظیم فرود می‌آورم. آمین

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*